

تحلیل مبانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پرتو مؤلفه قدرت نرم افزاری

رستم عیدی پور*

محمدعلی بصیری**
عنایت‌الله یزدانی***

چکیده

امنیت ملی مهم‌ترین عنصر تداوم حاکمیت و معرف پیشرفت در رابطه دولت و ملت می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران، با ارائه نظریه مردم‌سالاری دینی به‌عنوان جایگزین و رقیبی برای گفتمان هژمون لیبرال-دموکراسی غرب، توانسته است علی‌رغم تمامی تهدیدهای داخلی و فشارهای بین‌المللی به حیات خود ادامه دهد. پرسش مقاله این است که حفظ امنیت و استمرار حیات نظام جمهوری اسلامی ایران معلول چه عواملی است؟ در مقام پاسخ به این پرسش فرضیه مقاله بر این مبنا قرار گرفته است که «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران» به‌عنوان مهم‌ترین مقوم راهبرد امنیتی واقع‌گرا- عمل‌گرای نظام جمهوری اسلامی ایران، عامل اصلی پایداری و تداوم این نظام در عرصه بین‌المللی بوده است. ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی، امکان اشاعه آرمان‌های انقلاب اسلامی را در فراتر از مرزهای ملی فراهم نموده است. مبنای این قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ عینی در رفتار دیگر بازیگران بدون تهدید آفرینی و یا پرداخت هزینه محسوس در نظریه مردم‌سالاری دینی با شاخصه‌هایی چون فرهنگ‌گرایی و استقلال‌طلبی تجلی یافته است. نوشتار پیش رو بر مبنای خوانش جوزف نای از نظریه قدرت نرم به دنبال اثبات فرضیه خویش است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: امنیت ملی، قدرت نرم، مردم‌سالاری دینی، فرهنگ‌گرایی، استقلال‌طلبی، ج.ا.ایران

* دانشجوی دکترای دانشگاه اصفهان r.eydipoor@gmail.com

** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) basiri@ase.ui.ac.ir

*** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان eyazdan@ase.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۲

۱. مقدمه

مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل از جانب دو طیف واقع‌گرایان و آرمان‌گرایان مورد مطالعه قرار گرفته است. قدرت برای واقع‌گرایان در طول تاریخ از طریق شاخص‌های اندازه‌گیری کمی نظیر شمار جمعیت، امکانات نظامی ملموس یا تولید ناخالص ملی کشور تعیین شده است. در این تئوری بازیگران روابط بین‌الملل تنها در برابر دو عامل عکس‌العمل نشان می‌دهند: زور (جلوه سخت قدرت) و تحریم یا مشوق‌های اقتصادی (جلوه نیمه سخت قدرت) در مقابل آرمان‌گرایان بر عناصر فرهنگی و ارزشی در بررسی پدیده قدرت تأکید می‌ورزند. در حالی که قدرت سخت بر اساس اندیشه‌های واقع‌گرایی و نواقح‌گرایی توجیه می‌شود، قدرت نرم ریشه در مکاتب فکری مختلف آرمان‌گرایی دارد چنانچه تکیه کلیه این مکاتب بر عنصر فرهنگ، ویژگی مشترک همه آن‌ها به شمار می‌آید.

در سال‌های پس از فروپاشی شوروی توجه متفکرین روابط بین‌الملل به ابعاد غیرنظامی امنیت همانند مشروعیت، هویت، مسائل ملت‌سازی، مشارکت عمومی، اجماع نخبگان و قانون‌گرایی معطوف شد. در این رهیافت، امنیت ملی یک امر متکثر و توزیع‌شده در جامعه به شمار می‌آید که عموم شهروندان با مجموعه باورها، ارزش‌ها، جهت‌گیری‌ها و انتخاب‌هایشان در تقویت یا تضعیف آن نقش ایفا می‌کنند (Katzensten, 1996: 145). اما توجه به عناصر فرهنگی در دوران اخیر که انقلاب نوین اطلاعاتی متصدی تغییر ماهیت قدرت شده و مردم را در معرض زنجیره‌ای از روابط تازه قرار داده اهمیت مضاعفی یافته است. امروزه پیشرفت شگرف فناوری ارتباطات باعث فراهم آوردن امکان تماس و مبادله سریع فرهنگ‌ها با یکدیگر شده است. در فرآیند این مبادله انواع پیام‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به راحتی میان مخاطبان مبادله می‌شود و بخش عمده‌ای از نگرش‌ها، ایستارها و الگوهای ملت‌ها را که به دنبال منافع تازه‌ای برای هویت هستند تا به زندگی‌شان معنا دهند تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ثبات و تداوم حیات نظام جمهوری اسلامی در این فضا علی‌رغم برنامه‌ریزی گسترده قدرت نرم و سخت دول غربی و در رأس آن‌ها آمریکا برای ساقط کردن آن قابل ارزیابی است. نظامی که برآمده از انقلابی با حداقل خشونت بوده و عناصر معنوی نقش بسزایی در پیروزی و تداوم آن داشته‌اند. امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب، امنیت را یکی از ارکان بقای جامعه و تأمین آنرا یکی از کارویژه‌های نظام سیاسی تلقی می‌کرد اگرچه واژه‌هایی چون امنیت و امنیت ملی به طور مستقیم در کلام امام کمتر استفاده

شده است. امام امنیت را نه تنها در سطح ملی و اجتماعی بلکه در خدمت تکامل و غایت انسان یعنی نیل به سعادت دنیوی و اخروی دانسته و از این رو ابعاد گسترده تری برای امنیت قائل بودند.

در این مقاله قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قالب نظام مردم سالاری دینی و بر مبنای نظریه قدرت نرم جوزف نای بررسی و واکاوی شده است. هدف از تحریر این جستار این است که با تجزیه و تحلیل مبانی و عناصر قدرت نرم افزاری و منابع هنجاری جمهوری اسلامی مشخص شود چگونه این قدرت نرم توانسته در طول چهار دهه بر قدرت سخت و نرم افزاری دشمنان خود فائق آمده و علی رغم تمام توطئه ها، فشارها و حمله ها در داخل و خارج، این نظام همچنان بازیگری موفق و تأثیرگذار در عرصه جهانی باقی مانده است.

۲. پیشینه و تاریخچه موضوع پژوهش

در زمینه قدرت نرم و مباحث امنیت آثار نسبتاً زیادی به رشته تحریر درآمده اند که نزدیک ترین آثار موجود در این زمینه در ذیل می آید. وجه متمایز این مقاله دیدن ارتباط تنگاتنگ مبانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با مؤلفه های قدرت نرم افزاری و فرهنگی است.

- محمودرضا گلشن پژوه (۱۳۸۷) جمهوری اسلامی و قدرت نرم: نگاهی به قدرت

نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران

این کتاب در تلاش است تا در دو بخش راه کارها و ابزارهای مورد نیاز، این حوزه را شناسایی و آن ها را با ویژگی ها و توانمندی های ایران اسلامی تطابق دهد. بررسی ادبیات قدرت نرم و همچنین یافتن منابع اقتدار نرم در شش کشور مطرح در عرصه بین الملل، پردازش نقاط قوت و ضعف آنان و همچنین یافتن راه هایی که کشورهای مذکور از آن ها در جهت رفع کاستی های قدرت نرم خویش بهره می برند، چهارچوب مناسبی را فراهم می آورد تا با ورود به بخش دوم و مطالعه آنچه از منابع اقتدار نرم ایران اسلامی ذکر شده، خود در ذهن خویش به مقایسه ای جامع میان این موضوعات دست زده، مطابق با تخصص خویش، راه کارها و راهبردهایی برای بهینه ساختن روش های اعمالی برای تقویت قدرت نرم کشور ارائه نماید. در این کتاب به صورت اختصاصی به مفهوم قدرت نرم پرداخته شده و از عناصر هویت فرهنگی در معنای علمی و ارتباط آن با امنیت سخن چندانانی به میان نمی آید.

- حجت‌المرادی (۱۳۸۸) قدرت و جنگ نرم: از نظریه تا عمل

این کتاب با بررسی مبانی نظری و مفاهیم اساسی مقوله قدرت و جنگ نرم، ادبیات این حوزه را گسترش می‌بخشد. نگارنده، در بخش نخست از ابعاد گوناگون به تبیین پیشینه و بستر پیدایی مباحث پرداخته و در بخش دوم با شناسایی روش‌ها و ابزارها، رهیافت‌های عملی این حوزه را بررسی می‌کند. بخش سوم نیز با بررسی‌های ارائه‌شده، تحولات سیاسی- اجتماعی دوران اخیر را با نگاه به منظر جنگ نرم، صورت‌بندی می‌کند. مطالعه و بررسی در زمینه‌هایی مانند جنگ نرم، قدرت نرم، جنگ مجازی، تهدیدات نرم رسانه‌ای و مواردی از این دست اصول اصلی این اثر را شکل می‌دهد. در این کتاب کوشش اصلی بر یافتن ارتباط میان دو حوزه سخت و نرم‌افزار قدرت در جمهوری اسلامی به‌ویژه از نگاهی نظری و استوار بر بحران‌ها و نقاط عطف عملی بوده و وارد برایندهای کلان نشده است.

- حسین پوراحمدی (۱۳۸۹) قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

این اثر به بررسی ماهیت، اشکال و عناصر قدرت نرم، چگونگی و ابعاد تأثیرگذاری آن بر سیاست خارجی و دیپلماسی کشورها به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. نگارنده افزون بر بررسی نقش انقلاب ارتباطاتی - اطلاعاتی در سیاست خارجی ایران و تبیین جایگاه و نقش فرهنگ به‌عنوان عنصر قدرت نرم در روند این سیاست، تأثیرات فمینیسم را بر سیاست خارجی به‌عنوان عرصه‌ای مهم از قدرت نرم موردتوجه قرار داده و نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در پیشبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی را مورد مطالعه قرار داده است. هدف اصلی این کتاب فهم قدرت نرم و کاربرد آن در سیاست خارجی در بستر تحولات نظام اقتصاد سیاسی است. به نظر می‌آید ویراستار و نویسندگان این کتاب، علی‌رغم تلاش علمی فراوان و قابل ستایششان، دایره گسترده‌ای از مفاهیم و بازه زمانی را در نظر گرفته‌اند و بنابراین به مواردی مختلف و نه به‌صورت عمیق و ژرف پرداخته‌اند.

- مصطفی دلاورپور اقدم (۱۳۸۹) امنیت نرم و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

این کتاب در چهار فصل به بیان مهم‌ترین موانع، کاستی‌ها و چالش‌های فراروی توسعه امنیت نرم در ایران، ارزیابی توانمندی‌ها، نقاط قوت و قابلیت‌های ساختاری، طبیعی و عملیاتی، مهم‌ترین راهکارها، تدابیر و اقدام‌های افزایش‌دهنده ظرفیت پدافند ملی نظام برای مقابله مؤثر با تهدیدهای نرم پرداخته می‌شود. نگارنده در این اثر نقشه راه مدیریت استراتژیک امنیت نرم را در قالب جدولی با عنوان چالش‌ها و راهکارها ترسیم می‌نماید. شفاف‌سازی نقشه راه برای نهادهای متولی مقابله با تهاجم نرم به دلیل اهمیت

بازتولید مولدهای امنیت با توجه به تغییر و تحول ماهیت تهدیدهای فراروی نظام از سخت‌افزار به نرم‌افزارگرایانه از اهداف نگارش این کتاب است. ادبیات این کتاب بیش از هر چیز تجویزی و توصیفی است.

- ناصر جمال‌زاده (۱۳۹۲) قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

در این اثر مقالاتی در دو بخش به ابعاد نظری و ابعاد عملی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می‌پردازند. بخش نخست این کتاب در چهار فصل به مبانی قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب، سبک زندگی، زنان، عفاف و حجاب در جامعه اسلام به‌مثابه قدرت نرم، فرهنگ و ایدئولوژی و نقش و جایگاه مدیریت دانش در مواجهه با جنگ نرم می‌پردازد. فصل دوم نیز امنیت عمومی و الزامات نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران، اثرگذاری قدرت نرم در دیپلماسی عمومی، قدرت نرم، فناوری نرم و تأثیرات و کاربردهای آن در حوزه دفاعی و پدافند غیرعامل و تولید بازدارندگی نرم را در مرکز توجه خود دارد. به نظر می‌آید این اثر در مقام عمل فاقد پرسش و فرضیه اصلی و واقعی برای طرح مطالب خود باشد.

- مهدی جعفری‌پناه (۱۳۹۲) قدرت نرم و مبانی و کارکردها

این کتاب در چهار فصل به مبانی و کارکردهای مفهوم قدرت نرم پرداخته و آن‌ها را مورد تبیین و تحلیل قرار داده است. عناوینی همچون «مفهوم قدرت نرم و مؤلفه‌های آن»، «مؤلفه‌های قدرت نرم از دیدگاه اسلام»، «مؤلفه‌های قدرت نرم در نظام جمهوری اسلامی» و «کارکرد مؤلفه‌های قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران» در این اثر به چشم می‌خورد. این اثر، به بخش‌هایی از بیانات امام راحل و مقام معظم رهبری در حیطه - قدرت نرم و فرهنگ به‌عنوان عنصر اصلی این عرصه - می‌پردازد. در این کتاب مفاهیمی مانند وجه تمایز نظام جمهوری اسلامی از دیگر انقلاب‌ها و قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران، واکاوی و فرهنگ، ارزش‌های سیاسی، مطلوب‌های سیاست خارجی از مؤلفه‌های آن برشمرده شده است. نگارنده در بخش پایانی به این نتیجه دست می‌یابد که قدرت نرم با مفهوم و تبیین غربی آن با آنچه دین اسلام بر آن تأکید دارد متفاوت است. این اثر بیشتر نوعی بیان و توصیف را در برمی‌گیرد و مبانی استنتاجی قابل‌توجهی ارائه نمی‌دهد.

- گروه مؤلفان (۱۳۹۲) قدرت اسلام و جنگ نرم در اندیشه امام خمینی(ره)

این نوشتار در سه بخش و دوازده فصل به تبیین اندیشه و سیره امام خمینی در موضوع قدرت دینی و طرح‌های جنگ نرم دشمن و راه‌های مقابله با توطئه‌های دشمنان و حفظ نظام اسلامی می‌پردازد. بخش اول کتاب با عنوان قدرت اسلام، شامل سه فصل است که در فصل اول آن کلیات، فصل دوم امام خمینی و فرایند پیدایش قدرت نرم انقلاب

اسلامی و فصل سوم مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی مطرح شده است. جنگ نرم دشمنان موضوعی است که در بخش دوم این کتاب عنوان شده است. جنگ نرم در دوران ستم‌شاهی، علل گسترش جنگ نرم دشمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه‌های جنگ نرم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ابعاد جنگ نرم و اقدامات دشمن و اهداف جنگ نرم از مباحث بخش دوم این کتاب می‌باشند. در بخش سوم کتاب با نام راهکارهای مقابله با جنگ نرم، سه فصل قرار داده شده که در فصل اول راه‌های حفظ قدرت اسلام، فصل دوم تدابیر امام در مقابله با جنگ نرم و در فصل سوم سخن پایانی گنجانده شده است. در این کتاب اگرچه از قدرت اسلام سخن آورده اما تمرکز مطالب حول اندیشه و سیره امام خمینی است و نویسنده قدرت نرم و جنگ نرم را به‌عنوان ابزاری در دست دشمن برای مقابله با انقلاب اسلامی تبیین کرده است.

- علی‌اکبر جعفری و محمدجواد قربی (۱۳۹۵) مؤلفه‌های منابع سیاسی قدرت

نرم در جمهوری اسلامی ایران در افق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

نویسندگان این مقاله با طرح این سؤال که منابع سیاسی قدرت نرم جامعه ایرانی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله شامل چه مؤلفه‌هایی می‌شود؟ به تبیین عناصر سازنده منابع سیاسی قدرت نرم ایران پرداخته‌اند و این عناصر را بیش از ابعاد بیرونی، بر وجوه درونی استوار دیده‌اند. نویسندگان مقاله منابع سیاسی قدرت نرم در سند چشم‌انداز بیست‌ساله را عناصری از قبیل پیوستگی مردم و حکومت، تعاون و سازگاری اجتماعی، سرمایه اجتماعی، برخورداری از امنیت، سبک زندگی اسلامی ایرانی، فرهنگ راهبردی پایداری و مقاومت دانسته‌اند. نویسندگان معتقدند رسیدن به جایگاه قدرت منطقه‌ای به‌عنوان یکی از اهداف سند چشم‌انداز نیازمند توانمندی داخلی و تقویت قدرت نرم است.

- Price, Monroe (2012) "Iran and the Soft War"

مقاله «ایران و جنگ نرم» با اشاره به مسائل مربوط به انقلاب‌های خاورمیانه و تهدیدی که به بخشی از اندیشه‌های مرکزی در ایران تبدیل شد، به بررسی این امر می‌پردازد که این فرایند که آیا می‌توان میان قدرت نرم و جنگ نرم خط حائلی ترسیم کرد و تجربه ایران می‌تواند به تئوری ارتباطات استراتژیک کمک کند یا خیر؟ این جنگ نرم چگونه می‌تواند به وسیله دولت‌های هدف، مفصل‌بندی شود؟ نگارنده بر این باور دارد که با مطالعه موردی ایران، می‌توان مؤلفه‌هایی را شناسایی کرد که به درک دولت‌های هدف از تهدیدهای نظام‌مند به حکومت و ثباتشان پی برد. این مقاله پاسخ ایران یا استراتژی

تقابلی را بررسی می‌نماید. نویسنده برخی مفروضات و پیش‌فرض‌هایی دارد که به نظر می‌آید در امتداد و راستای برخی گفتمان‌های خاص غربی است.

۳. چارچوب نظری: تئوری قدرت نرم جوزف نای

طراح مطالعات قدرت نرم‌افزاری را باید جوزف نای (Joseph Nye) پژوهشگر آمریکایی متعلق به رهیافت نئولیبرالیسم دانست. او اصطلاح قدرت نرم را برای نخستین‌بار و در چارچوب یک نظریه مستقل در سال ۱۹۸۹ و در کتاب ناگزیر از رهبری (bound to lead) مطرح نمود (نای، ۱۳۸۷: ۱۹) تا نقش عوامل غیر سخت‌افزاری به‌ویژه فرهنگ را برجسته کرده باشد. در دهه ۱۹۹۰ نای از تغییر ماهیت قدرت در سیاست جهانی سخن گفت. وی نفوذ غیراجباری را به‌صورت قدرت نرم مفهوم‌سازی کرد که به‌ویژه در جهان پس از عصر جنگ سرد اهمیت بسزایی یافته است (Nye, 1990: 177-178) به اعتقاد نای غلبه یافتن بر افکار و قلب‌ها همواره مهم بوده اما اهمیت این امر در عصر اطلاعات دوچندان شده است (نای، ۱۳۸۷: ۳۷).

اگرچه تشخیص اینکه قدرت می‌تواند بدون کاربرد تهدیدات یا مشوق‌ها نیز اعمال شود در آراء متفکرینی پیش از نای نظیر میشل فوکو (Michel Foucault)، پیر بوردیو (Pierre Bourdieu)، ماکس وبر (Max Weber) و آنتونیو گرامسکی (Antonio Gramsci) هم قابل‌رؤیت است اما در ادبیات معاصر روابط بین‌الملل، بحث قدرت نرم با نام نای آمریکایی گره خورده است.

به‌واقع نای به‌عنوان یک فعال سیاست خارجی آمریکا در صدد پاسخ به این واقعیت و ترسیم راهکاری برای برون‌رفت از وضعیت موجود، برآمد. وی در صدد است تا به جای دیدگاه سنتی، نگاهی نظری به نقش‌آفرینی عوامل ایده‌ای و معنایی در بحث قدرت داشته باشد (Nye, 2008: 95).

قدرت نرم بر مبنای تئوری جوزف نای توانایی دستیابی به مقصود و کسب مطلوب از طریق جاذبه و اقناع به جای اعمال زور است یعنی توانایی شکل‌دهی، اطاعت، اثرگذاری و تعیین باورها بدون کاربرد جنبه آشکار قدرت. نای در مبحث قدرت نرم به جذابیت فرهنگ، آرمان‌های سیاسی، ایدئولوژی و نهادها به‌عنوان منابع غیر ملموس مولد قدرت نرم تأکید ویژه دارد (Nye, 2002: 9-10) البته عنصر جذابیت، محور تعریف قدرت نرم و ملاک اصلی تمییز و بازشناسی آن از قدرت سخت است یعنی زمانی که یک بازیگر در عرصه بین‌المللی خواسته‌اش را با اتکا بر جذابیت ذاتی ارزش‌های

فرهنگی جامعه‌ی خویش جامه عمل بپوشاند از قدرت نرم بهره برده است. از نظرگاه نای، قدرت نرم برخلاف قدرت سخت بر بسیج منابع مادی متکی نبوده بلکه بر پایه جذب دیگران و توانایی شکل دادن به ترجیحات آن‌ها برای تحقق اهداف مشخص استوار است (Nye, 2002: 45) بر این مبنا او قدرت نرم را توانایی اعمال کننده قدرت در جذب یا دفع دیگر بازیگران در راستای خواسته‌های خود تعریف می‌کند (Nye, 2004: 3). نای معتقد است پیگیری رویکرد واقع‌گرا نسبت به سیاست جهانی سبب بی‌توجهی به انبوهی از مؤلفه‌ها و اطلاعات بسیار مهم می‌شود (نای، ۱۳۸۷: ۱۴) از این رو او با رد سه فرض مطرح در رویکرد واقع‌گرایانه یعنی ۱. دولت‌ها تنها بازیگران قابل توجه به حساب می‌آیند؛ ۲. زور ابزار مسلط سیاست جهانی است و ۳. امنیت هدفی عمده و اساسی برای دولت‌ها است نظری نئولیبرالیستی که در بردارنده عناصر فرهنگی و ارزشی است را مطرح کرد (نای، ۱۳۸۷: ۱۶).

از نظر نای قدرت نظامی و قدرت اقتصادی هر دو نمونه‌هایی از قدرت سخت هستند که می‌توان با بهره‌گیری از آن‌ها دیگران را وادار کرد موضعشان را تغییر دهند. قدرت سخت را می‌توان با توسل به اقدامات تشویقی (هویج) و تنبیهی (چماق) به کار گرفت اما در عین حال همواره راه غیرمستقیمی نیز برای دستیابی به نتایج دلخواه وجود دارد که می‌توان آنرا چهره دوم قدرت نامید تا آنجا که یک واحد سیاسی بتواند نتایج ترجیحی - اش را در سیاست جهانی به این سبب به دست آورد که دیگر کشورها بخواهند از آن پیروی کنند (نای، ۱۳۸۷: ۱۸).

از این مطلب این نکته قابل برداشت است که در قدرت نرم و به دنبال آن جنگ نرم، محوریت با ایده‌ها است. ایده‌ها را باید یکی از هدایت‌گران رفتار راهبردی بازیگران در عرصه بین‌المللی دانست. ایده‌ها دارای چنان ظرفیتی هستند که می‌توانند نقشه‌های راه دستیابی به مطلوبیت‌ها را برای بازیگران ترسیم کنند. ایده‌ها در شرایط عدم قطعیت به مثابه یکی از ویژگی‌های محیط راهبردی کنونی، بازیگران را به سوی راهبردهایی برای نیل هدف‌ها و کسب منافعشان هدایت می‌کنند (جلال‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۲).

این نکته نیز لازم به ذکر است که ماهیت قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی در الگوی مردم‌سالاری دینی متفاوت از آن چیزی است که جوزف نای از این مفهوم عرضه کرده است زیرا قدرت نرم در جمهوری اسلامی مبتنی بر نصوص دینی و آموزه‌های اسلامی

است. به ویژه آنکه قدرت در نظام دینی و نزد پیشوایان اسلامی به مثابه امانت است (امام علی ع، ۱۳۸۳: ۳۴۴)

در مجموع از نگاه نای، راز سودمندی قدرت نرم در سهولت کاربرد، کاهش چشمگیر هزینه‌ها، تکیه بر ابعاد ناپیدا و ناملموس و مبرا بودن آن از تبعات منفی و دردسرساز قدرت سخت‌افزاری نهفته است. نای این پیش‌فرض که قدرت سخت تنها وسیله برای نیل به خواسته‌ها در عرصه سیاست جهانی است را به نقد کشید زیرا معتقد است فراسوی قدرت سخت‌افزاری، ابزارهای قدرت دیگری نیز یافت می‌شوند که ریشه در گیرایی فرهنگی و ایدئولوژیک یک بازیگر در انظار دیگران دارد.

۴. نظام مردم‌سالاری دینی جمهوری اسلامی

در شرایطی که تمدن غرب با هدف به حاشیه راندن فرهنگ‌های ملی و دینی سایر جوامع و نفوذ در اداره امور جهانی از طریق استیلای فرهنگ لیبرال-دموکراسی به عنوان فرهنگ جهانی اقدام نموده است انقلاب اسلامی با هدف اعتلای اسلام و احیای ارزش‌های معنوی و به منظور استقلال همه‌جانبه کشور و تعامل با سایر ملل به پیروزی رسید و با تأسیس جمهوری اسلامی نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی را در برابر مکاتب لیبرال-دموکراسی و سوسیال-دموکراسی مطرح نمود.

طرح نظریه جمهوری اسلامی از سوی امام خمینی یکی از مهم‌ترین پاسخ‌های ارائه شده به مسئله مردم‌سالاری در دوران معاصر ایران است. این نظریه از سوی یک فقیه و با روش اجتهادی ارائه شده است. طرح جمهوری اسلامی در اندیشه سیاسی امام با گذار از سلطنت و سلطنت مشروطه صورت گرفت تا جمهوری را بر قانون اساسی برآمده از اسلام مبتنی سازد (مرادی و ابطحی، ۱۳۹۵: ۱۸۵).

ایده مردم‌سالاری دینی به خوبی در چارچوب کسب امنیت از طریق قدرت نرم قابل تحلیل است با ذکر این نکته که در حالیکه منابع و ابزارهای قدرت سخت در تمامی کشورها تقریباً مشابه است اما بنیان‌ها و ساز و کارهای خلق قدرت نرم مختلف است زیرا قدرت نرم می‌تواند جلوه‌های مختلفی داشته باشد چنانچه برای خود مقوله امنیت نیز طیف تعریف‌های متنوعی از سوی اندیشمندان ارائه شده که از وضعیت‌های کاملاً ذهنی و احساسی تا موقعیت‌های کاملاً بیرونی و عینی را در برمی‌گیرد (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۴).

بر این مبنا می‌بایست مهم‌ترین دستاورد جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی را تجربه مردم‌سالاری دینی دانست به گونه‌ای که این ایده ضمن کارآمدی داخلی، در خارج از کشور نیز توانسته است بر ذهن و افکار دیگران تأثیر بگذارد و به‌عنوان مدل و الگویی کارآمد، مدنظر نخبگان و عموم مردم دیگر کشورها قرار گیرد.

این گفتمان به‌مثابه برداشت خاصی از مردم‌سالاری، حاصل تأملات نظری برخی اندیشمندان در درون چارچوب فکری نوگرایی دینی و در تعامل با زمینه‌های سیاسی و اجتماعی نمایان است که نزد امام خمینی و مقام معظم رهبری ظهور و بروز می‌یابد. این الگو با توجه به اینکه تلاش می‌کند هم‌زمان با مشروعیت الهی، مقبولیت مردمی را نیز در خود داشته باشد نتایج مهمی در ساختار قدرت و تصمیم‌گیری نظام سیاسی جمهوری اسلامی بر جای گذاشته است. در مجموع صورت‌بندی گفتمانی مردم‌سالاری دینی بر اساس دالها و نشانه‌هایی چون رضایت مردم، حق‌مداری، قانون‌محوری و ارزش‌مداری شکل گرفته است. به لحاظ معرفت‌شناسی نیز این نظریه بر اصل سازگاری عقل و وحی و ضرورت مدرسانی وحی به عقل تکیه دارد.

مردم‌سالاری دینی به‌عنوان فهمی خاص از الگوی عام مردم‌سالاری، محصول تأملات نظری دانش‌ورانه در سنت فکری دینی و مواجهه هوشمندانه و واقع‌بینانه با اقتضائات عصر جدید است که با قواعد سیاست عملی آمیخته شده است (کریمی مله، ۱۳۹۳: ۳۹). با توجه به اینکه اساساً از منظر اسلام، قدرت و حاکمیت امری الهی و از سوی خداوند است اطاعت از چنین قدرتی کمتر تحت تأثیر و توجه اجبار و زور مادی قرار می‌گیرد (کاظمی، ۱۳۶۹: ۱۸) در چارچوب این نظریه در گفتمان اسلامی، کسب قدرت نمی‌تواند فی‌نفسه هدف باشد و اساساً نقش عمده در گسترش اسلام را نه قدرت سخت بلکه تکیه بر قدرت معنوی (نرم) بر عهده داشته است.

مردم‌سالاری دینی به معنای تلفیق مشروعیت دینی و مقبولیت مردمی ریشه در حکومت جمهوری اسلامی دارد و مؤلفه‌های آن بر دوپایه بنا گذاشته شده است: یکی جمهوریت و دیگری اسلامیت یعنی شکل و قالب حکومت و ساختار سیاسی و نحوه آرایش نهادهای آن جمهوری است اما محتوای آن اسلامی. جمهوری اسلامی به‌عنوان نظام برآمده از پیروزی انقلاب اسلامی به تعبیر شهید مطهری متضمن هر دو بُعد شکل و محتوای آن است؛ جمهوریت شکل حکومت پیشنهادی را مشخص می‌کند و کلمه اسلام محتوای آنرا (مطهری، ۱۳۷۰: ۸۰) چنانچه جمهوری اسلامی از منظر امام خمینی

جمهوری است برای اینکه به آراء اکثریت مردم متکی است و اسلامی است برای اینکه قانون اساسی اش عبارت است از قانون اسلام (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱۷۰/۵)

آیت الله خامنه‌ای به عنوان رهبر نظام جمهوری اسلامی طرح ایده مردم‌سالاری دینی در برابر مکاتب غربی را بهترین ملاک و یک امر طبیعی می‌داند: «در کشوری که اکثریت قریب به اتفاق آن مسلمان هستند در چنین کشوری اگر حکومتی مردمی است پس اسلامی هم هست. البته این مردم‌سالاری دینی به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد. خود این مردم‌سالاری هم متعلق به دین است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹)

اگرچه در اسلام تقوا و عدالت پایه اصلی مشروعیت است اما این مشروعیت بدون رأی مردم مقبولیت و کارایی ندارد لذا در اسلام رأی مردم اهمیت ویژه دارد از این رو مشارکت و نظارت همه‌جانبه از حقوقی است که اسلام برای همگان قائل است. در رویکرد امام به عنوان اسلام‌شناسی که تا بالاترین سطوح به سیاست‌ورزی پرداخته‌اند، مردم از موقعیت کلیدی برخوردار بوده و پاسخ‌گویی به مطالبات چندلایه مردم و در نهایت تأمین رضایت‌مندی آنان یکی از اهداف مهم سیاست‌گذاری‌های امنیتی تلقی می‌شود (روحانی، ۱۳۹۱: ۳۵).

ذکر این نکته نیز ضروری است که وجود زبان مشترک و سنت تاریخی به مثابه پشتوانه سیاست‌ورزی در فضای مردم‌سالاری دینی به معنای آن نیست که اسلام و حکومت اسلامی خود را بر مسلمین در یک کشور و حتی مسلمانان جهان محدود می‌کند بلکه مردم‌سالاری دینی همواره بر این اعتقاد اسلامی مبتنی است که اسلام به عنوان یک دین جهانی، پیغامی جهان‌شمول نیز دارد و با همه تفاوت‌هایی که انسان‌ها، اقوام و ملیت‌ها در نواحی مختلف جغرافیایی دارند اما همه این‌ها به عنوان مخاطبین اسلام دارای فطرت واحدند (قاسمی، ۱۳۹۳: ۷۷).

این حق حاکمیت بر سرنوشت خویش حق دخالت افراد در اداره امور کشور و تعیین زمامداری و هیئت حاکمه است که در اصول ۶ و ۴۰ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. این مشارکت می‌تواند در مکانیزم‌های مختلفی انجام شود که از جمله آن‌ها در عصر حاضر وجود احزاب، مطبوعات، رسانه‌ها و عرصه انتخابات است که امکان نقد و بررسی و عرصه مشارکت مردمی را محقق می‌سازند اما انتخابات از مهم‌ترین مشخصه‌های متداول در امر مشارکت در عصر حاضر است. اتکا به آرای عمومی در انتخاباتی مثل شورای شهر و روستا (اصل ۱۰۰ قانون اساسی) مجلس شورای اسلامی (اصل ۶۲) ریاست جمهوری (اصل ۱۱۴) خبرگان رهبری (اصل ۱۰۷ و ۱۰۸) نشانه اهمیت دادن

نظام به مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها است. همچنین رسانه‌ها که از دیگر مکانیزم‌های مشارکت به‌ویژه در عصر ارتباطات به شمار می‌آیند در نظام جمهوری اسلامی اهمیت بسزایی دارند چنانچه در قوانین جمهوری اسلامی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه منحل به مبانی اسلام و حقوق عمومی باشند(اصل ۲۴ قانون اساسی).

در ادامه دو شاخصه عمده مردم‌سالاری دینی یعنی فرهنگ‌گرایی اسلامی و استقلال-طلبی موردبررسی قرار می‌گیرد که بر مبنای تئوری نای، اولی معطوف به بُعد داخلی و دومی ناظر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی است.

۴-۱. فرهنگ‌گرایی اسلامی

فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ای از ارزش‌ها و رویه‌هایی دانست که به جامعه معنا می‌دهد. فرهنگ معانی بیناذهنی را در جهان خلق کرده و به صاحبانش امکان می‌دهد واقعیت را درک، تفسیر و ارزیابی کرده و بر اساس آن اقدام نمایند(دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۷۱) ارزش‌ها نیز عبارت‌اند از عقایدی که یک شخص یا یک جمع به‌عنوان امر مناسب و مطلوب می‌شناسند(روشه، ۱۳۷۹: ۶۹) در حالیکه ارزش‌های محدود و فرهنگ‌های جزئی کمتر قادر به تولید قدرت نرم هستند اما فرهنگ عام و جهانی منبع مهمی از قدرت نرم است. هر نظام سیاسی که بتواند ارزش‌ها و علایق مشترک جهانی ایجاد کند توانایی دست یافتن به نتایج مطلوب خود را دوچندان می‌کند.

در این منظر است که مبحث امنیت به فرهنگ پیوند می‌خورد. امنیت مقوله‌ای وسیع و بین‌الاجتماعی یا میان‌گروهی است که دولت فقط یکی از کارگزاران ظهور و تداوم آن است تا آنجا که امنیت هرچه بیشتر وجود داشته باشد بیشتر واقعیتی فرهنگی و کمتر واقعیتی سیاسی است(طاهایی، ۱۳۹۲: ۲۵۴) طرح مسائل امنیت هستی‌شناسانه و امنیت هویتی و تأکید متفکران بر اهمیت فرهنگ و هویت و ارتباط آن با مؤلفه امنیت از نظرات برجسته پس از جنگ سرد بوده است تا آنجا که در دنیای امروز بهترین راهبرد همراهی سایر ملل این است که آن‌ها را در موقعیتی قرار دهیم که آنچه ما می‌خواهیم آن‌ها طلب کنند و این کار را باید از راه‌گیری فرهنگ، ایدئولوژی و همچنین برنامه‌ریزی انجام داد(Joffe, 1997: 1). چنانچه جوزف نای در مورد منابع اصلی قدرت نرم به سه محور اصلی اشاره دارد: فرهنگ جذاب، ارزش‌ها و سیاست خارجی که در چشم ناظران دارای مشروعیت باشد(نای، ۱۳۸۷: ۵۱).

چنانچه ذکر شد نای، فرهنگ را یکی از منابع عمده قدرت نرم می‌داند زیرا فرهنگ به‌عنوان عنصری پویا آبخوری مهم برای ابعاد نرم قدرت است و نیز انگاره‌ای از رفتارهای اجتماعی در سطوح چندگانه که معارف و ارزش‌ها از طریق آن‌ها میان گروه‌ها جابه‌جا می‌شوند. البته وجوه هر فرهنگی متفاوت است برخی وجوه فرهنگ جهانی‌اند برخی ملی‌اند و برخی نیز مختص طبقات اجتماعی یا گروه‌های خردند(نای، ۱۳۹۲: ۱۲۳). وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی را شامل شود و بنیاد سیاست‌های آنرا علایق و ارزش‌های مشترک جهانی شکل دهد احتمال اینکه نتایج مطلوب بر اساس جذابیت قدرت نرم حاصل شود افزایش می‌یابد(وفایی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۸۸).

به‌طورکلی جهانی‌شدن و تسهیل در فرآیند ارتباط میان ملل مختلف فرصت دسترسی سریع‌تر را در عرصه‌های فرهنگی فراهم آورده است که این امر امکان‌پذیرترین‌ها را نیز مهیا نموده است. این روند می‌تواند با ارائه فرصت‌های بهتر، امکان ارتقای فرهنگ جهانی را فراهم آورد. مبادله و جریان آزاد اطلاعات، برداشت‌ها و ایده‌ها می‌تواند به شکل‌گیری مجموعه‌ای از هنجارهای جهانی یاری رساند. با در نظر گرفتن این واقعیت که فرهنگ‌ها همواره در تغییر و تحول‌اند و اندرکنش میان آن‌ها به نحوی مستمر در جریان است(کولایی، ۱۳۸۳: ۱۶۵).

انقلاب اسلامی ایران از همان ابتدا به‌صراحت، هدف خود را اجرای احکام و ارزش‌های اصیل اسلامی در تمام ابعاد حکومتی معرفی کرد تا اندیشه جدیدی را به دنیای استعمارزده آن روز ارائه نماید که در آن دین و مذهب در کانون حرکت علیه نظام‌های استعماری قرار داشت. امری که برای ملل مستضعف منطقه واجد جذابیت خاصی بوده است.

با توجه به اینکه مبنای نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی است ازاین‌رو در جهت‌گیری‌های امنیتی به حفظ توأمان دارالاسلام و سرزمین ایران توجه دارد. این امر باعث شده مرزهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران از مرزهای جغرافیایی آن بسی فراتر رفته و به لحاظ نظری حدود مرز دنیای اسلام مبنای تأمین امنیت ملی ایران شناخته شود. امام خمینی زمامداران حکومت اسلامی را به هوشیاری فراخوانده و بر دوپایه عمده در سیاست خارجی یعنی تبعیت از منطق عقل و ارزش‌های اخلاقی تأکید می‌کند. از نظر امام اخلاق‌گرایی به معنای پایبندی به اصول فکری بشری و عرف مقبول بشریت است که کلیه ملت‌ها باید بر آن پایبند باشند(روحانی، ۱۳۹۱: ۳۹).

در مجموع در میان عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی زیادی که در جامعه ایرانی وجود دارد و تأثیر بسزایی در بازتولید قدرت نرم دارند فراوانی و ضریب تأثیر مؤلفه‌های معنوی و ارزش‌های اسلامی درخور توجه است به این معنا که فرهنگ اسلامی مهم‌ترین منبع فرهنگی قدرت نرم جامعه ایرانی محسوب می‌شود و روحیه معنویت، باور به قدرت توحیدی و معارف قرآنی عوامل اصلی و عمده جذابیت منابع قدرت ملی جمهوری اسلامی در الگوی مردم‌سالاری دینی به شمار می‌روند (حیدری و قربی، ۱۳۹۵: ۶۰).

۴-۲. استقلال طلبی

شاخصه دیگر مردم‌سالاری دینی که ناظر به بُعد روابط خارجی نظام جمهوری اسلامی است استقلال طلبی و نفی سلطه است. مؤلفه‌ای که در کنار فرهنگ گرایایی عام و جهان-شمول، باعث جذابیت این نظام در انظار عمومی مردم منطقه شده است. در هیچ جای دیگر به اندازه منطقه خاورمیانه هژمونی فرهنگی غرب با مقاومت روبرو نشده است زیرا در این منطقه رجوع به اسلام به عنوان منبعی برای توجیه مبارزه علیه بیگانه‌گرایی طبیعی است. دین اسلام نه تنها سرچشمه اصلی هویت خاورمیانه بوده است بلکه در عین حال نقطه ارجاعی برای طیف‌های گوناگون حرکت‌های مقاومت قرار گرفته است (سیونگ یو، ۱۳۸۷: ۴۹۶-۴۹۵).

اما گستردگی بیگانه‌ستیزی در نظام جمهوری اسلامی ایران واجد ویژگی‌ای است که کمتر در میان سایر دول مشاهده می‌شود و آن عبارت است از تبدیل شدن به یک هدف اساسی در سیاست خارجه به نحوی که نفی غرب به صورت جوهره استقلال و امنیت ملی کشور تلقی می‌شود (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۵۰) رهبری با تعریف استقلال به آزادی در مقیاس یک ملت (خامنه‌ای، ۱۳۹۴) معتقدند عنصر استقلال طلبی در افکار عمومی ملت‌های منطقه تأثیر بسزایی داشته است: «ایران طرفدار ملت‌ها است طرفدار مظلومین است. جمهوری اسلامی با ظلم مخالف است، با ظالم مبارزه می‌کند، در مقابل زورگویی و زیاده‌خواهی ظالمان و مستکبران هم با همه وجود می‌ایستد و عقب‌نشینی نمی‌کند. برای همین است که ملت‌ها هرجایی که جمهوری اسلامی را می‌شناسند به جمهوری اسلامی علاقه‌مندند طرفدار جمهوری اسلامی‌اند شعارهای جمهوری اسلامی برای آن‌ها دلنشین است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰)

به‌واقع استقلال طلبی و نفی سلطه از نخستین خواسته‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌آید به نحوی که یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های امام در سرنگونی سلسله پهلوی در همین

چارچوب قابل ارزیابی است به اعتقاد امام، شاه ایران روح مملکت را به غرب فروخته و فساد و هرزگی و سرکوبی را در ایران رایج ساخته بود. به تعبیر امام: «جرم ما این بود که می‌خواستیم آزاد باشیم، می‌خواهیم خودمان، زندگی خودمان را اداره کنیم و می‌خواهیم که در تحت قیمومیت هیچ دولتی نباشیم» (بنی لوحی، ۱۳۷۸: ۲۱۸).

از دیدگاه امام «همان‌طوری که ظلم حرام است، انظلام و تن دادن به ظلم هم حرام است. دفاع از ناموس مسلمین و جان مسلمین و مال مسلمین و کشور مسلمین یکی از واجبات است» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱۱۷/۱۵). عنصر استقلال برای یک کشور اسلامی و تأمین امنیت از طریق خوداتکایی تا آنجا از نظر امام حائز اهمیت است که در جهان دوقطبی آن روز بر نفی وابستگی توأمان از هر دو بلوک غرب و شرق تأکید می‌ورزید. از این رو امام در مصاحبه با مجله آمریکایی نیوز ورلد پورتال (News World Portal) در پاسخ به نقش ایالات متحده می‌گوید: «انتظار ما از آمریکا این است که به مصالح ملت و استقلال مملکت ما احترام بگذارد و از دخالت در امور ما خودداری کند» (امام خمینی، ۱۳۶۲: ۹۷) و در پاسخ به خبرگزار البیروق درباره نقش شوروی بیان می‌دارد: «ما احتیاجی به کمک او نداریم و همانطور که از آمریکا کمک قبول نمی‌کنیم از شوروی هم کمک قبول نخواهیم کرد» (امام خمینی، ۱۳۶۲: ۱۱۹).

به تعبیر رهبری شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» یا شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که تعالیم امام در دهان مردم انداخت معنایش این بود که این انقلاب متکی به اصول ثابت و مستحکمی است که نه به اصول سوسیالیسم اردوگاه آن روز شرق ارتباطی دارد نه به اصول سرمایه‌داری لیبرال اردوگاه غرب. این انقلاب بر پایه اصول مستحکمی بنا شد هم اجرای عدالت را مورد نظر قرارداد هم آزادی و استقلال را که برای ملت‌ها از مهم‌ترین ارزش‌ها است مورد توجه قرارداد (خامنه‌ای، ۱۳۸۱).

امام با در نظر گرفتن کلیه مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی هر نوع روابطی از انواع مذکور را که به استقرار سلطه و کنترل غیرمسلمانان منجر شود مردود می‌انگاشتند. امام معتقد بودند: «این دولت، دولت اسلامی است و تحت رهبری رهبران اسلام است و هرگز ظلم به غیر ولو هرچه ضعیف باشد روا نمی‌دارد و ظلم از غیر هرچه قوی باشد تحمل نمی‌کند» (صحیفه امام، ۱۳۸۵: ۲۲۰/۶).

تفکر مقابله با سلطه جهانی و دستیابی به استقلال در ابعاد مختلف آن به‌عنوان یک شاخصه قدرت نرم‌افزاری و عنصر جذاب سیاسی ریشه در آموزه‌های نرم‌افزاری

قرآنی به ویژه «قاعده نفی سبیل» دارد. بدینگونه که در سوره نساء آیه ۱۴۱ آمده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (القرآن الحکیم، ۴: ۱۴۱).

مطابق قاعده نفی سبیل خداوند هرگونه عملی را اعم از تکوینی و تشریحی که موجب یاری رساندن به کافران، غلبه فکری و فرهنگی آنان در دنیا، سلطه و حاکمیت اعتباری آنان باشد را نفی نموده است. مفهوم قاعده نفی سبیل اعلام می‌دارد که دولت اسلامی باید به نحوی سیاست‌گذاری کرده و حرکت نماید که استقلال و عزت خود را حفظ نموده البته ضمن مرادده و ارتباط با جهان خارج، موجبات تضعیف و سلطه‌پذیری خویش را فراهم ننماید.

با توجه به اینکه قاعده نفی سبیل ضمن تأکید بر اینکه مسلمانان نباید سلطه کفار را بپذیرند اعلام می‌دارد مسلمانان از نظر عده و غده تلاش نمایند تا در جهت موردنظر توفیق حاصل کنند از این رو این قاعده با حفظ وضع موجود مخالف است و بیشتر به سمت تحول‌طلبی متمایل است و عمدتاً به سیاست عدم تعهد نزدیک‌تر است زیرا مفهوم نفی سبیل به روشنی مؤلفه استقلال را افاده می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

در مباحث فوق تبیین شد که در دهه‌های اخیر در فضای در روابط بین‌الملل، نقش قدرت نرم برای دولت‌ها بیشتر و کارآمدتر از قدرت سخت شده است. با در نظر داشتن این چارچوب این مقاله در پی پاسخ به این سؤال بود که چگونه جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم هجمه‌ها و فشارهای مختلف از طریق قدرت سخت و نرم دشمنانش همچنان در نظام بین‌الملل بازیگری پایدار، فعال و تاثیرگذار بوده است؟ مقاله در مقام پاسخ، فرضیه خود را معطوف به «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران» نمود. بدین معنا که ارزش‌ها و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی در قالب نظریه مردم‌سالاری دینی و با شاخصه‌هایی چون فرهنگ‌گرایی و استقلال‌طلبی که ناظر بر جلوه‌های نرم‌افزاری قدرت می‌باشد تأثیر بسزایی در حفظ، تداوم و کارآمدی مبانی امنیت جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند.

طرح ایده مردم‌سالاری دینی در شرایط تعاملات بین‌المللی و جهانی شدن توانسته است پاسخگوی انتظارات بخش عظیمی از جامعه دینی ایران باشد زیرا این ایده که تاریخیچه درازی ندارد و تقریباً بعد از انقلاب توسط بنیان‌گذار جمهوری اسلامی مورد تأکید قرار گرفت بیانی رسا از یک مفهوم بی‌بدیل ولی ریشه‌دار فرهنگی و تاریخی است که در

عصر جدید که عصر ارتباطات و تعاملات مردمی است در چارچوب قدرت نرم قابل ارزیابی است.

انقلاب اسلامی با پیروزی بر رژیم پهلوی و بر پایه قدرت معنوی و غیرمادی دین به بازتعریف جدیدی از خود در عرصه بین‌المللی پرداخت و با الگوگیری از «آموزه‌های اسلامی» و در قالب «گفت‌وگو امام خمینی (ره)» با ارائه «نظریه مردم‌سالاری دینی» به تولید قدرت نرم و بُعد نرم‌افزاری قدرت پرداخت تا نه تنها بتواند به‌عنوان نظام برهم زننده وضع موجود به حیات خود ادامه دهد بلکه با ارائه نظریه کارآمد مردم‌سالاری دینی و بر پای تعالیم و ارزش‌های اسلامی نظیر عدالت‌طلبی، نفی سلطه‌گری، استقلال-خواهی، ترویج حضور معنویت در سیاست، تکیه بر قدرت اخلاقی و حمایت از مستضعفین و محرومین، به بسط و اشاعه اندیشه‌های انقلابی خود از طریق شکل‌دهی ترجیحات مخاطبان با تأثیرگذاری بر ذهن و روان آن‌ها، زمینه‌های شکوفایی مجدد تمدن اسلامی را در راستای تمدن‌سازی نوین فراهم آورد.

به‌واقع ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی و ساماندهی نوعی نظام سیاسی دینی که ضمن شکل مردم‌سالاری از لحاظ محتوا نیز هویت اسلامی خود را حفظ می‌کند از مهم‌ترین دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. به‌ویژه در دورانی که اهمیت نقش قدرت نرم فزونی یافته، توجه به مؤلفه‌های نرم‌افزاری به‌ویژه فرهنگ‌گرایی و استقلال‌طلبی عامل عمده جذابیت این نظام در نگاه مردم داخل نظام و مردم منطقه بوده است. جامعه ایرانی در پرتو داشتن این قدرت نرم (برآمده از ارزش‌های اسلامی) و کاربست آن در قالب مدل مردم‌سالاری دینی به منظور تحقق کارکردهای وفاق‌آفرینی و مشارکت‌جویانه توانسته است بر بحران‌های سیاسی، مشروعیت، هویت غلبه نماید و امنیت خود را فراهم نماید. این امر تا حدود زیادی مستلزم نهادینه‌سازی ارزش‌ها و هنجارها و رسیدن به اجماع پیرامون غایات و الگوهای رفتاری است.

از نکات مهم الگوی مردم‌سالاری دینی تأکید بر عنصر زمان و مکان در استنباط احکام و در نتیجه تحول نسبی احکام برحسب شرایط و به اقتضای اجتهاد پویا است بنابراین، این مدل حکومت نه متصلب و محافظه‌کار و مخالف تغییر وضع موجود است و نه همانند لیبرالیسم دمکراسی‌های غربی دارای سیالیت بسیار بالا است.

مدل مردم‌سالاری دینی، پس از رحلت امام (ره)، از سوی مقام معظم رهبری نیز به‌عنوان مدلی کارآمد برای توصیف و تبیین نظام جمهوری اسلام پیگیری شده است تا نظام مردم‌سالاری دینی، ضمن آنکه بر حاکمیت ارزش‌های دینی و محتوای اسلامی تکیه کند

بر ایفای نقش اساسی مردم در حیات سیاسی-اجتماعی نیز تأکید ورزد. گذر زمان هم نشان داد یکی از اصلی‌ترین مؤلفه قدرت نرم جمهوری اسلامی، حمایت قاطعانه مردمی بوده است که این عامل کسری‌های ناشی از قدرت سخت و نیمه سخت نظام را به‌ویژه در مواقع بحرانی جبران کرده است.

منابع

- امام خمینی (۱۳۶۲) *طلیعه انقلاب اسلامی: مصاحبه‌های امام خمینی در نجف، قم و پاریس*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷) *صحیفه امام (ره)*: تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- امام علی (ع) (۱۳۸۳) *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، چاپ سوم، قم: فریض
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۳) «دولت و استعاره امانت در مردم‌سالاری دینی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هفدهم، شماره ۶۴، صص: ۷-۳۴
- بنی لوحی، علی (۱۳۷۸) *ایران و آمریکا: امام خمینی و تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
- بیل، جیمز (۱۳۷۱) *شیر و عقاب: روابط بدفرجام ایران و آمریکا*، ترجمه فروزنده برلیان، تهران: نشر فاخته
- جعفری، علی‌اکبر و محمدجواد قربی (۱۳۹۵) «مؤلفه‌های منابع سیاسی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران در افق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴»، *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، سال چهارم، شماره ۹، صص: ۷۵-۹۴
- جعفری‌پناه، مهدی (۱۳۹۲) *قدرت نرم و مبانی و کارکردها*، تهران: عصر جوان
- جلال پور، شهره؛ کیانوش پای فرد و محمد فلاح (۱۳۹۵) «واکاوی ساز و کارها و اهداف جنگ نرم»، *دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال ششم، شماره ۱۴، صص: ۱۲۹-۱۵۱
- جمال‌زاده، ناصر (۱۳۹۲) *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
- حیدری، منصور و محمدجواد قربی (۱۳۹۵) «مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان (مطالعه ارزش‌های فرهنگی)»، *دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال ششم، شماره ۱۵، صص: ۴۶-۶۴
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۹/۱۲) *بیانات در دیدار با مسئولان* در:
<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=2042>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۱/۹/۱۲) *بیانات در اجتماع بزرگ زائران امام* ۸۱/۳/۱۴ در:
<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=2273>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۳/۱۴) *بیانات در اجتماع بزرگ زائران امام* ۱۳۹۴/۳/۱۴ در:

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=contentShow&id=13277>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۷/۲۳) بیانات در اجتماع مردم گیلان غرب در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17568>

درویشی، فرهاد (۱۳۸۹) «ابعاد امنیت در اندیشه و آراء امام خمینی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال

سیزدهم، شماره سوم، صص: ۵۵-۸۲

دلورپور اقدم، مصطفی (۱۳۸۹) امنیت نرم و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز

پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۷) چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک

روحانی، حسن (۱۳۹۱) «گفتن امام خمینی پیرامون امنیت ملی و سیاست خارجی»، راهبرد، سال

بیست و یکم، شماره ۶۵، صص: ۷-۶۶

روشه، گی (۱۳۷۹) کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی

سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۱) «مبانی نظری سیاست خارجی دولت بوش»، مطالعات منطقه‌ای، شماره ۱۳،

صص: ۱-۲۲

سیونگ یو، دال (۱۳۸۷) «خاورمیانه: عرصه رویارویی گفتمان سلطه‌جویی و گفتمان سلطه‌ستیزی»،

راهبرد، شماره ۴۷، صص: ۴۸۳-۵۰۰

شجاعی، هادی، منوچهر محمدی و محمدجواد نوروزی (۱۳۹۳) «تأثیر انقلاب اسلامی ایران در برجسته

شدن موضوع قدرت نرم در روابط بین‌الملل»، معرفت، سال بیست و سوم، شماره ۲۰۰، صص:

۲۵-۳۶

طاهایی، جواد (۱۳۹۲) «نقد نظریه امنیت ملی»، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره ۱، صص:

۲۳۵-۲۶۱

قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۳) «مردم‌سالاری دینی و امنیت اجتماعی؛ با نگاهی انتقادی به لیبرالیسم و جامعه

گرای» فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۶۴، صص: ۶۵-۸۲

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تدوین جهانگیر منصور، چاپ چهل و سوم، نشر دوران: تهران

القرآن الحکیم

قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۱) «تهدیدات امنیتی خارجی و تکوین استقلال‌طلبی در سیاست خارجی ایران»،

مجله دانش سیاسی و بین‌الملل، سال اول، شماره ۴، صص: ۴۹-۶۶

کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۶۹) نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل، تهران: قومس

کریمی مله، علی (۱۳۹۳) «الگوی مردم‌سالاری دینی و امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال

هفدهم، شماره ۶۴، صص: ۳۵-۶۴

- کولانی، الهه (۱۳۸۳) «جهانی شدن و مردم سالاری دینی»، مجله تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران، سال پنجم، شماره ۶۷: صص: ۱۸۰-۱۵۳
- گروه مؤلفان (۱۳۹۲) قدرت اسلام و جنگ نرم در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران: پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (ع)
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷) جمهوری اسلامی و قدرت نرم: نگاهی به قدرت نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهش های روابط بین الملل
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷) چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه مطالعات راهبردی، تهران: مطالعات راهبردی
- مرادی، حجت اله (۱۳۸۸) قدرت و جنگ نرم؛ از نظریه تا عمل، تهران: ساقی
- مرادی، عباس و مصطفی ابطحی (۱۳۹۵) «جایگاه هویت ملی در گفتمان مردم سالاری دینی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۶، صص: ۲۰۰-۱۷۷
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰) پیرامون انقلاب اسلامی ایران، صدرا: تهران
- نای، جوزف (۱۳۸۷) قدرت در عصر ارتباطات از واقع گرایی تا جهانی شدن، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- نای، جوزف (۱۳۸۹) قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: امام صادق
- نای، جوزف (۱۳۹۲) آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نی
- وفایی نژاد، علیرضا (۱۳۹۵) «بررسی نقش فرهنگ و هنر اسلامی در بازتولید قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ششم، شماره ۱۴، صص: ۱۹۹-۱۸۵
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸) برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمدعلی حمیدرفیعی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی
- Joffe, Josef (1997) American the Inescapable, Portland Oregonian
- Katzenstein, peter (1996) the culture of national security: norms and identity in world politic ,new York: Columbia university press
- Nye, Joseph (1991) bound to lead: the changing nature of American power, new York: basic books
- Nye, Joseph (2002) information revolution and American soft power, Asian pacific review vol9, no1
- Nye, Joseph (2004) soft power and American of foreign policy, political science Review quarterly, Vol. 119, no. 2

رستم عیدی پور و دیگران ۱۳۷

Nye, Joseph (2008) public diplomacy and soft power, Annals of the American Academy of political and social theory and international relations, Columbia: university of south Carolina press

Nye, Joseph(1990) the changing nature of world power, political science Review quarterly, Vol. 105.4

Price, Monroe (2012) “Iran and the Soft War”, International Journal of Communication, 6